

بلائی بی‌تحرکی در سیر اندیشه!

دکتر انور خامه‌ای

در شماره ۱۱۱ همین مجله تحت عنوان «۲ سال با فرخی یزدی در زندان قصر» ضمن تجلیل از آن شاعر شهید زنده‌نام نوشته بودم: «روزی در زندان از او پرسیدم: «آقای فرخی لب‌های شما را چطور دوختند؟ راستی خیلی درد داشت؟ با سادگی عادی خودش جواب داد: «مگر لب‌های من کرباس بود که بدوزند؟!» بعد توضیح داد که حاکم یزد تهدید کرده بود که دهانش را خواهم دوخت و منظورش خفه کردن و خاموش ساختن فرخی بوده است.

در شماره ۱۱۲ آقای محمدعلی شاکری یکتا زیر عنوان «عاشقی‌های یک شاعر لب‌دوخته» صحت اظهارات و خاطرات مرا مورد تردید قرار داده و نوشته است: «جای این پرسش هست که با وجود منابع بسیار و اشاره مستقیم و صریح و بدون پرده پوشی فرخی یزدی در شعرهایش به مسأله لب‌دوزی به اصطلاح امروزی‌ها یکی از عالیجنابان سرخ‌پوش روزگار احمدشاه قاجار سندیت گفته جناب آقای خامه‌ای جای تردید دارد.»

راستی را هرچه دقت کردم نتوانستم دریابم که تردید از چه جهت است؟ آیا تردید دارند که زنده‌نام فرخی چند سال در بند ۲ زندان قصر زندانی بوده است؟! یا این که تردید دارند که من هم سه سال، از ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ در همین بند زندان قصر زندانی و هم‌زنجیر آن شاعر شهید بودم؟! اگر تردید ایشان از این جهت‌ها است می‌توانند به گزارش‌های متعدد مأموران و سرپاسبان‌های زندان قصر درباره زنده‌نام فرخی با حقیر در آن سال‌ها که اینک در «مرکز اسناد ملی ایران» و «پژوهشکده بنیاد مستضعفان» بایگانی شده است مراجعه کنند. یا اگر این کار برایشان دشوار است کافی است نگاهی به کتاب «پنجاه و سه نفر» نویسنده نامدار،

زنده‌یاد بزرگ علوی بیافکنند تا رفع تردیدشان بشود!

اما اگر تردیدشان در راستگویی حقیر است باید عرض کنم تردید و شک دلیلی می‌خواهد. اصل بر اثبات است مگر خلافش ثابت شود. هیچ علتی وجود ندارد که من بخواهم از شأن و منزلت آن شاعر شهید بکاهم. هم پدرم با او دوست و همکار بوده و هم خودم با او هم‌زنجیر. دو سال تمام هر روز صبح که در بند را می‌گشودند با هم و دیگر زندانیان به حیاط مجاور بند می‌رفتم و از شعرها و گفتارش استفاده می‌کردیم. کسی جز نیکی و پاکی و سادگی از آن زنده‌یاد نمی‌دید. هنگامی که به زندان موقت

تهران منتقلش کردند ما همه متأثر و نگران شدیم، چون حدس می‌زدیم چه سرنوشتی در انتظار اوست. در بیرون از زندان کسی از شهادت او خبر نداشت. ما بودیم که پس از شهریور ۱۳۲۰ و آزاد شدن، این خیر اسفانگیز را منتشر کردیم و محاکمه کنندگان و جلادان او را خواستار شدیم و آنقدر در این راه پای فشردیم تا دادگاه شهادت فرخی را رسماً تأیید و کشتندگان او را محکوم کرد. ده‌ها مقاله در روزنامه‌های مردم، رهبر، رزم و... هنوز گواهی بر این مدعاست. خود من چه در خاطراتم و چه در مقاله‌ها بارها از آن شاعر شهید یاد و تجلیل کرده‌ام، اگر ذکر این مطلب

مورد تردید را از روی دشمنی یا کدورت (!) فرض کنید، باید پیش از این آن را می‌نوشتم تا دیگران هم آن را نقل کنند و حالا جزء مسلمات و غیرقابل تردید بشود! چه شده است که من در این شصت سال لب نگشوده‌ام و اکنون سر پیری یکباره کینه‌ام با آن شهید مظلوم بروز کرده است؟! آخر دروغ گفتن و جعل کردن علتی می‌خواهد، چه علتی ممکن است برای چنین کاری ذکر کنید!!!

اما نقل قول‌هایی که آقای شاکر یکتا برای رد گفتار من و اثبات «دوختن لب‌های فرخی با نخ و سوزن» ذکر کرده‌اند نه تنها دست اول نیست بلکه همه از دست دوم هم آن طرف تر است. چون همه

شرکت فرامطلق (سهامی خاص)

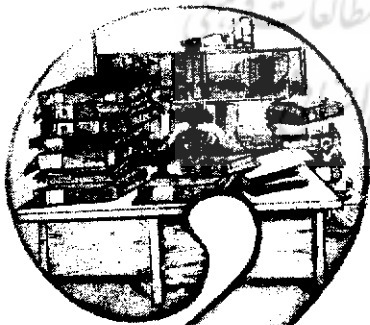
تهران ۱۲۳۳۸ - خیابان ولی‌عصر - مقابل پارک ساسی - شماره ۱۰۵۰/۶ - واحد ۳۰۸
تلفن: ۷-۰۴-۸۷۱۴۷۰۴ - فاکس: ۷-۰۷-۸۷۱۴۷۰۷ - E.MAIL: fmoatlagh@neda.net

کارآمدترین مرکز جهت ارائه:

- نرم‌افزارهای تصویری آرشو، دیرخانه و بایگانی، گردش مکاتبات، ایجاد بانک اطلاعاتی
- نرم‌افزارهای تجاری خرید، فروش، انبار، کنترل حسابهای بانکی و مشتریان، حسابداری حقوق و دستمزد، اموال

لیست محصولات

زونکن دبیرخانه
چک‌کردی
زونکن آرشو
آلبوم
جدول
خمیره
دفترچه
مجموعه
حسابداری
انبار منی و مصرعی
انبار تولید
پیشخوان
حقوق و دستمزد
اموال



صدها زونکن نه!



فقط یک
زونکن

فرامطلق

آنها، از مقدمه دیوان اشعار گرفته تا زندگینامه‌های دیگر، چند سال بعد از شهریور ۱۳۲۰ یعنی مدت‌ها پس از شهادت فرخی نوشته شده است. یادم می‌آید حدود سال ۱۳۲۲ بود که مرحوم حسین مکی به فکر جمع‌آوری دیوان فرخی افتاده بود و برای آن از من کمک می‌خواست. آنچه راجع به وضع فرخی در زندان و شهادت او بود برایش شرح دادم. نمی‌دانم این دیوان و مقدمه، از آن اوست یا کس دیگری؟ به هر حال دست دوم یا سوم، نقل قول کسانی است که فرخی را در زندگی هیچ‌گاه ندیده بوده‌اند. اما نمی‌دانم مرحوم آراین پور «نخ و سوزن» را از کجا آورده‌اند؟! لابد از خودشان اجتهاد کرده‌اند و اندیشیده‌اند که دوختن بی‌نخ و سوزن نمی‌شود!! پس نقل قول دیگران را تکمیل کرده‌اند!!

اما استناد به اشعار. این درست است که فرخی در موارد نسبتاً متعددی به دهان دوختگی و لب‌دوختگی خود اشاره کرده است و در حقیقت هم درست بوده چون هیچ‌گاه دولت و حکومت نمی‌گذاشتند آزادانه حرفش را بزنند. وقتی که در زمان سردار سپهی رضاخان، طوفان را توقیف کردند، فرخی مجبور شد خود روزنامه‌ها را زیر بغل بگیرد و در خیابان‌ها بفروشد، اما جلو این کار را هم گرفتند! آیا این دوختن دهان او نیست؟! آیا او حق نداشته است شکایت کند و خود را دهان دوخته یا لب‌دوخته، برحسب نیاز شعری بنامد؟! نیاز شعری بنامد؟!!

اساساً در ادبیات ما این دو واژه همیشه به معنای مجازی یعنی کسی که نمی‌تواند حرفش را بزند آمده است، نه به معنای لفظی یعنی دوختن با

نخ و سوزن یا به وسیله دیگر. عارف بزرگی سروده است:

هر که را اسرار حق آموختند

لبش بستند و دهانش دوختند.

حالا فرض کنید واقعاً به قول مرحوم آراین پور «با نخ و سوزن» دوخته بودند، سوزن خیاطی و نخ قرقره که برای یک چنین مجازاتی مناسب نیست لابد می‌بایست جوالدوز و نخ پرک به کار برده باشند. می‌دانید چه شکنجه دردناکی است! آیا ممکن است شاعری به حساسیت فرخی زیر چنین شکنجه‌ای قرار گرفته باشد و احساس درد و زجر خود را در غزلی یا قصیده‌ای بیان نکرده باشد؟! شاعران بزرگ هرگاه درد و زجری برایشان وارد آمده احساس دردناک خود را در اشعارشان نشان داده‌اند. مسعود سعد وقتی به زندان می‌اندازندش فریاد برمی‌دارد:

نالم زدل چو نای من اندر حصار نای

پستی گرفت همت من زین بلند جای

و آن قصیده معروف را می‌سراید.

رودکی وقتی دندان‌هایش را از دست می‌دهد می‌نالده که:

مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود

ز هر چه دندان لابل که چراغ تابان بود

حافظ آن روح آسمانی زمانی که فرزندش را در زیر خاک می‌نگرد فغان برمی‌آورد:

قرة العین من آن نور بصر یادش باد

که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد

حتی فردوسی بزرگ اسطوره صبر و مقاومت بارها در برابر تنگدستی فریاد برمی‌دارد و شکوه

می‌کند.

همین خود فرخی یزدی در برابر مصائبی بسیار کوچکتر و کمتر دردناک غزل‌هایی به شکوه و شکایت سروده است. چگونه است که در تمام دیوان او حتی یک بیت، یک اشاره به سیخی که در گوشت انسان فرود می‌رود نکرده است؟!!

موضوع بدیهی دیگری که در این باره وجود دارد این است که دوختن لب با سوزن و جوالدوز جای زخمی باقی می‌گذارد که برطرف شدنی نیست. کسی آثار این زخم‌ها را بر لب فوقانی و تحتانی فرخی دیده است؟!!

باری... این استدلال هم ضرورتی نداشت. آقای شاکری یکتا مختار است هر جور می‌خواهد قضاوت کند. عمق فاجعه اینجاست که در کشور ما بسیاری از مردم عادت کرده‌اند اندیشه‌ای را که یکبار فرا گرفته‌اند ازلی و ابدی و تجدیدنظرناپذیر بدانند و هر کس خلاف آن را گفت یا خواست تغییری در آن بدهد، فوراً آن را رد کنند و حتی نسبت‌های ناروایی هم به طرف بدهند! مثلاً مرسوم بود که هدف و علت حمله انگلیس و شوروی را به ایران در شهریور ۱۳۲۰ عزل و تغییر رضاشاه بدانند و «تاریخ‌نگاران» ما مانند سپهد فردوست و امثال او همه این ادعا را تکرار کرده بودند. من در بخش دوم «سال‌های پر آشوب» از روی اسناد محرمانه از طبقه‌بندی خارج شده انگلیس، آمریکا، ایران و شواهد و مدارک دیگر ثابت کرده‌ام که این ادعا بی‌پایه و بی‌اساس است و متفقین حتی مایل بودند رضاشاه را تحت شرایطی به سلطنت نگاه دارند. اما

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه در خدان
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس

ARAMEX

It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۶۶۰۳۹۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

جهانی مانند دکتر شاخت و کامیل گوت نیز قرار گرفته بوده است. خود دکتر مصدق هم این واقعیت را تأیید کرده و گفته است که اگر با توپ و تانک به پشتیبانی انگلیس و آمریکا حکومت قانونی را ساقط نکرده بودند کشور در جاده ترقی پیش می‌رفت و نیازی هم به کنسرسیوم و کمک شرکت‌های نفتی خارجی نداشتیم. با وجود این در همین سه سال اخیر کتاب‌هایی منتشر شده و مقالاتی در روزنامه‌هایمان به چاپ رسیده که در اساس تکرار همان داوری نادرست پیشین است.

در جاسازدن و بسی‌تحرکی در سیر اندیشه و داوری متصلب و خشک شده، بلای جانفرسایی است. باید به تجدیدنظر مستمر در اندیشه‌ها و داوری‌هایمان عادت کنیم.

آمریکا و انگلیس در برنامه‌ریزی و اجرای کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد مورد تأیید مسئولان خود این کشورها قرار گرفته است، هنوز عده زیادی همان داوری را دارند. من در کتاب «اقتصاد بدون نفت، ابتکار بزرگ دکتر مصدق» با اتکا به آمار موثق و خدشه‌ناپذیر و اسناد و مدارک مسلم ثابت کرده‌ام که برخلاف آن تبلیغات در دوران حکومت مصدق اقتصاد ما به سوی تعادل و سلامتی پیش رفت نرخ تورم کاهش یافت، کسر تراز بازرگانی خارجی به افزایش این تراز یعنی برتری هنگفت صادرات بر واردات تبدیل شد، رشد چشمگیر کشاورزی، رفع رکود صنعتی و آغاز رشد سرمایه‌گذاری و از بین رفتن کسر تراز پرداخت‌ها انجام گرفت. خلاصه ثابت کرده‌ام در صد سال گذشته هیچ‌گاه اقتصاد کشور ما به سلامتی، تعادل و حتی گرایش به سوی شکوفایی به اندازه زمان حکومت مصدق نبوده است و این واقعیت مورد تأیید کارشناسان معروف

رفتار رضاشاه پس از سوم شهریور و بی‌سیاستی او آنها را وادار ساخت او را کنار بگذارند. با وجود این هنوز در کتاب‌های آموزشی جدید همان فرضیه مردود سابق را تکرار می‌کنند!!

نمونه دیگر، این داوری نادرست است که کودتای ۲۸ مرداد و سقوط حکومت دکتر محمد مصدق نتیجه نارضایی توده مردم بود. چون پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس صدور نفت از ایران قطع شده و درآمد دولت از این محل از بین رفته بود. در نتیجه کشور گرفتار بحران مالی، تورم شدید، کسر بودجه کمرشکن، فقر و بیکاری سرسام‌آور و ویرانی و فرسودگی صنعت، کشاورزی و وسایل حمل و نقل شده بود. مردم به جان آمدند و علیه مصدق قیام و او را سرنگون کردند. این طرز تفکر نتیجه تبلیغات گسترده رسانه‌های انگلیسی، آمریکایی و روزنامه‌ها و محافل وابسته به آنها و حزب توده در داخل کشور بود. با آن‌که دخالت

از این پس هیچکس از درب منزل شما ناامید بونمی‌گردد



پردازشگران الکترونیک
(با مسئولیت محدود)

با استفاده از دستگاه سام، شما می‌توانید قبل از خروج از منزل و یا محل کار شماره تلفن همراه و یا مقصد خودتان را وارد حافظه دستگاه سام نمایید و با خیال راحت منزل خود را ترک کنید، چراکه سام مواظب منزل شماست!!

بعد از قرار گرفتن دستگاه در وضعیت فعال (Stand by) اگر کسی زنگ در منزل شما را فشار دهد این دستگاه به طور اتوماتیک با شماره تلفنی که قبلاً وارد حافظه دستگاه سام نموده‌اید ارتباط برقرار نموده و امکان صحبت با شما از طریق تلفن و افا ف درب منزل با مراجعه کننده به منزل برقرار خواهد شد و شما می‌توانید زمان برگشت به منزل و یا هر پیغام دیگری را بفرمایید و مراجعه کننده را از بلا تکلیفی نجات دهید. یکی دیگر از مزایای مهم دستگاه سام جلوگیری از سرقت است چون شما با داشتن سام همیشه در منزل هستید!!

دفتر مرکزی: تهران، ولی عصر، بلوار میرداماد نویسنده به میدان مادر شماره ۸۸ طبقه دوم

تلفن: ۲۲۲۳۳۹۰ - ۲۲۲۹۸۷۰ - ۲۲۵۳۷۰۴ - ۲۲۵۷۲۵۶

E-Mail: PECO@Payamebr.com

تلفن: ۴۱۱۵۷۹ - ۴۱۸۶۲۳

تلفن: ۵۱ - ۸۳۴۲۹۷

تلفن: ۵۷۱ - ۲۸۲۴۳

نمایندگی کرج: چهارراه طالقانی، خیابان هلال احمد روبروی اداره فنی و حرفه‌ای

نمایندگی مشهد: خیابان احمدآباد خیابان بهشت پلاک ۹۳ - شرکت کهکشان هنر خراسان

نمایندگی سبزوار: چهارراه کوشک خیابان عطاالملک شمالی فروشگاه رایان الکترونیک